رويداد كرونا؛ شاهدي آشكار بر اولويت پرداختن

به وجوه عقلاني حيات طيبه در نظام تربيت اسلامي

دكتر علي‌رضا صادق‌زاده قمصري[[1]](#footnote-1)

**چكيده**

در قرآن کریم به زندگی مطلوب انسان تنها یک باربه صراحت با تعبیر حیات طیبه اشاره شده است (سوره نحل، آیه 97)؛ که ناظر است به توصیف و ترسیم سیمای زندگی آرمانی انسان و مشخصات و ابعاد آن از منظر دین؛ البته این نوع زندگی پدیده‌ای نیست که درعالم آخرت و پس از مرگ محقق گردد، بلکه در حقيقت در همین زندگی دنیوی و با تنظیم و ساماندهی و صبغۀ الهي بخشيدن به زندگی طبیعی وروزمره آدمی صورت تحقق می‌یابد. به بیانی دقیق‌تر حیات طیبه عبارت است از:

«وضعیت دلپسند، رضایت‌بخش و شایسته زندگي فردی و اجتماعی آدمی در دنیا و در همه شئون مختلف، براساس نظام معیار ربوبی است که مراتبی از آن، پس از انجام اعمال شایسته، همراه با ایمان، از سوی خداوند کریم، و در جهت تعالی زندگی طبیعی، به همه انسان‌های نیکوکار و مؤمن عطا می‌شود».

 بر این اساس، تحقق حیات طیبه در معنای حقیقی آن، مشروط به پذیرش اختیاری دین حق و انجام اعمال صالح براین مبنا است، اما چنانکه می‌دانیم نظام معیار ربوبی در دیدگاه اسلامی، مفهومی ذو مراتب است که برخی از ارزش‌های مراتب نخستین آن، مطلوب بالفعل فطرت کمال جوی همۀ انسان‌هاست و می‌توانيم مصادیقی از ارزش‌های اصلی مورد تأکید در حيات طيبه حقیقی (مواردی نظیر صداقت، عدالت‌ورزی، شکر نعمت، امانت‌داری و وفای به عهد وحتی حفظ سلامت بدن) را براي هر انسان طبيعي، سالم، خردمند و باقي‌مانده بر اصل فطرت (ولو افراد غيرمتدين به دينِ حق) نیز اموری خواستنی و تحقق پذیر بدانيم و در نتیجه اهتمام به این نوع ارزش‌ها‌ی عقلانی، که عقل بشری به‌طور مستقل درباره آنها حکم می‌کند، باعث می‌شود تا تحقق این مراتب از نظام ارزش‌های حيات طيبه، آرمان قابل وصول و واقع بینانه‌ای براي عموم مردم (اعم از دینداران و افراد غیرمتدین) به‌شمار آید و لذا باید تلاش برای تحقق حیات طیبه، از این مراتب آغاز گردد.

 از اين‌رو به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های اصلی تحقق حیات طیبه آن است که همۀ انسان‌ها را به اقتضاي فطرت پاك و حكم عقل سليم و نداي وجدان درون، نخست به تحقق اين مراتب اولیه از ارزش‌های انسانی و عقلانی فراخواند و انسانیت آنها را از این مسیر بالفعل نمود؛ زیرا وصول به‌معنای حقیقی حیات طیبه، بدون دستيابي به اين مراتب ممکن نيست. يعني در جریان تربیت اسلامی- به‌مثابه روند زمینه‌سازی برای ورود متربیان به فضای حیات طیبه حقیقی- ابتدا باید نسبت به پذیرش والتزام عملی ایشان به آن دسته از ارزش‌هاي انسانی اصرار نماییم كه وجوه عقلانی و فرادینی حیات طیبه هستند (یعنی قبول و پایبندی نسبت به آنها مشروط به انتخاب دين حق و ايمان و التزام به همه ارزش‌های نظام معیار ربوبی نيست هرچند درعین حال دين، حكم مستقل عقل عملی دربارۀ حسن آنها را تقرير و امضا مي‌نمايد و لذا در نظام معیار ربوبی مقبول و حتی بسیار مورد تأکید هستند) زیرا رعايت عملی اين دسته از ارزش‌های عقلانی- حتي اگر صرفاً با انگيزه‌هاي دنيايي و غير ديني صورت پذيرند- مراتب اوليه‌ای از زندگی مطلوب انسانی را- به‌مثابه پیش نیاز حيات طيبه حقیقی- فراهم مي‌سازد. بنابراین آماده شدن جهت تحقق حيات طيبه (یعنی مقصود اصلی جریان تربیت اسلامی) نیز می‌تواند به‌جای مباحث اعتقادی و عبادی، از درخواست التزام مخاطبان به اين وجوه عقلانی و فرادینی حیات طیبه آغاز گردد؛ چراکه تعهد عملی به آنها با فطرت آدمی و حکم مستقل عقل بشری متناسب می‌باشد و لذا قبول آنها نیازمند حل و فصل مباحث گسترده در‌باره عقائد دینی نیست.

 اما به رغم آنچه گفته شد نکته قابل توجه و چالش برانگیز در اندیشه عموم صاحب‌نظران تربیتی مسلمان و یکی از نواقص عموم مفهوم پردازی‌های رایج در جهت ترسیم نظام تربیت اسلامی در جوامع معاصر، عبارت است از نوعی غفلت و یا کم توجهی نسبت به وجوه عقلانی حیات طیبه و در نتیجه شاهد کمترین تلاش برای توجیه این نوع زندگی شایسته انسانی اسلامی باتکیه بر دلایل عقلی و عقلایی هستیم؛ یعنی به‌جای بیان استدلالی لزوم حرکت متربیان در مسیر تربیت اسلامی، باتکیه بر کمال‌گرایی فطری ایشان و انجام بحث در فضایی فلسفی و فراتر از دلایل درون دینی، نوعاً توجیه لزوم حرکت در این مسیر با فرض پذیرش عقايد دینی اسلام از سوی مخاطب بحث و بنا بر تعبد و التزام او به آموزه‌ها و ارزش‌های آن، (و طبیعتاً برای اقناع خصوص دینداران و مؤمنان) صورت گرفته است. درحالی‌که چنین توجیهی و توجه به‌وجوه عقلانی و فرادینی حیات طیبه، می‌تواند برای عموم انسان‌های دارای عقل سلیم و وجدان بیدار- اعم از متدین و غیرمتدین- موضوعی پذیرفتنی باشد.

 برهمین اساس به‌نظر می‌رسد (به اقتضای بحث حاضر و لوازم آن) نظام‌های تربیت اسلامی باید تحقق وجوه عقلانی حیات طیبه، را در مرتبه نخست اهتمام خود قرار دهند در حالی‌که روند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و عمل در عموم نهادهای تربیتی جوامع اسلامی معاصر، معمولاً برای ساحت تربیت دینی به‌معنای خاص اولویت ویژه قائل هستند و خصوصاً عرصه‌هایی مانند تربیت بدنی و زیستی، تربیت اخلاقی (به‌معنای عام) و تربیت اجتماعی را در مراتب بعدی اهمیت قرار می‌دهند.

 اما در این میان رویداد کم سابقه کرونا و آثار گسترده آن در زندگی عموم افراد جامعه را باید شاهدی از غیب دانست بر لزوم توجه به وجوه عقلانی حیات طیبه در نظام تربیت اسلامی، پدیده‌ای که باعث شد اموری عقلانی مربوط به مواجهه با این رویداد- نظیر التزام به خانه‌نشینی برای حفظ سلامت بدن، مسئولیت اخلاقی نسبت به سلامت و بهداشت دیگران، رعایت ضوابط و مقررات سخت‌گیرانه در فاصله‌گذاری اجتماعی ناظر به مصالح اجتماعی عموم افراد و تلاش اخلاقی و ایثارگرانه در حمایت از آسیب دیدگان کرونا- نسبت به سایر امور مهم فردی و جمعی زندگی (نظیر تلاش‌های اقتصادی و فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و حتی انجام مناسک جمعی مذهبی) از سوی همگان در درجه اول اهمیت قرار گیرند.

 از این رو به‌نظر می‌رسد در شرایط پساکرونا، نظام تربیت اسلامی جامعه ما (چه در مقام اندیشه و چه در مقام عمل) باید مورد بازنگری اساسی قرار گیرد و درآن وجوه عقلانی حیات طیبه از جمله اهداف و تدابیر مربوط به ساحت‌های تربیت بدنی و زیستی، تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی به‌عنوان امور ضروری و پیش‌نیاز برای سایر وجوه حیات طیبه، مورد توجه جدی عموم سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران و معلمان مدارس و دیگر نهادهای تربیتی این نظام قرار گیرند.

1. - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه علوم تربیتی شورای بررسی متون. [↑](#footnote-ref-1)